

## اشاره:

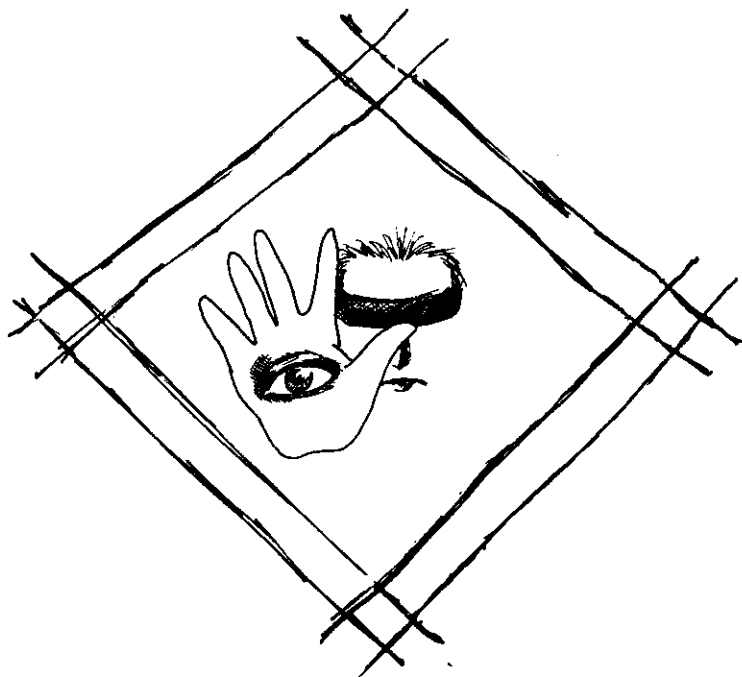
آنچه در پی می‌آید ترجمه‌ای است از مقاله‌ی Messianism (مهدویت) که در دائرة المعارف دین جلد ۹ صفحه ۴۶۹ تا ۴۸۱ ویراسته‌ی میرچا الیاده توسط شرکت انتشاراتی مک میلان نیویورک آمریکا در سال ۱۹۸۷م به چاپ رسیده است.

دائرة المعارف مذکور، جامع‌ترین، مفصل‌ترین و معتبرترین دائرة المعارف موجود در جهان به شمار می‌آید که با محوریت دین و اندیشه‌های دینی به نگارش درآمده است و نویسندگان مقالات آن نیز همگی از متخصصین برجسته‌ی رشته‌های مختلف دین شناسی و موضوعات مختلف دینی محسوب می‌گردند، مخصوصاً ویراستار کل مجموعه، میرچا الیاده را که به اعتقاد بعضی دانشمندان این رشته، می‌توان از مشهورترین دین پژوهان قرن بیستم دانست.

مقاله‌ی حاضر بر آن است تا با بررسی نسبتاً تطبیقی، اندیشه‌ی انتظار موعود را در سه مذهب بزرگ عصر حاضر یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام مورد بررسی قرار دهد.

# مهدویت از دیدگاه دین پژوهان و اسلام شناسان غربی<sup>(۱)</sup>

دائرة المعارف دین ، میرچاد الیاده  
ترجمه: بهروز جندقی



دیدگاه دانشمندان و دین‌شناسان غربی نسبت به ویژگی‌های حضرت مهدی (عج) تا حدود زیادی متأثر از متون و شخصیت‌هایی است که با جایگاه عصمت، مبانی غیبت، تاریخ زندگی ایشان و به طور کلی دیدگاه شیعه‌ی دوازده امامی نسبت به آن حضرت، آشنایی کاملی نداشته‌اند، همچنان که در قسمت کتاب‌شناسی این مقاله ملاحظه می‌شود، در اکثر برداشته‌ها کتب غیر اصلی و دست دوم، ملاک قضاوت بوده‌اند و نویسنده‌ی بخش سوم مقاله (مهدویت در اسلام) در ابتدای کتاب‌شناسی خود تذکر می‌دهد که هیچ مطالعه‌ی جامعی را در خصوص کل موضوعات مربوط به حضرت مهدی (عج) و نهضت‌های تاریخی نیافته، تنها دو کتاب را می‌تواند به عنوان منابعی مهم در خصوص ظهور اولیه، سابقه و توسعه‌ی دیدگاه حضرت مهدی (عج) در نهضت‌های شیعه، معرفی نماید.

اول، کتاب «آغاز مهدویت» اثر ژان اولاف بلیچ فلدت و دوم، کتاب «مهدویت در اسلام: ایده مهدی در شیعه دوازده امامی» اثر عبدالعزیز ساشادینا.

واضح است که منظور اصلی از ترجمه این مقاله و سایر مقالاتی که در دائرة المعارف‌های معتبر غربی در مورد حضرت مهدی (عج) به قلم بزرگترین دین‌شناسان و اسلام‌شناسان غربی نگارش یافته، صرفاً آشنایی با دیدگاه و نگرش آنان نسبت به آن وجود عزیز است نه تأیید کامل عقاید و کج فکری‌های آن دانشمندان، لذا ترجمه این نوع مقالات می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت هر چه دقیق‌تر عقاید بزرگان



آنظر

۲۶۴

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

شیعه شناسی غرب در مورد حضرت فراهم آورد تا این شناخت، خود مبنایی برای تبلیغ صحیح و شناساندن شخصیت حقیقی آن امام عزیز به مردم و اندیشمندان دیار غرب باشد. ان شاء الله.

(مترجم)

این نوشتار، مشتمل بر سه مقاله است:

(۱) نگاه اجمالی

(۲) مسیحا باوری در دین یهود

(۳) مهدویت در اسلام

مقاله‌ی اول مروری بین فرهنگی بر مفهوم و عقیده‌ی مسیحا باوری در ادیان مختلف، به ویژه در مسیحیت، ارائه می‌نماید. دو مقاله‌ی بعدی به مسیحا باوری در سنت یهود و [مهدویت در] اسلام می‌پردازند.

## (۱) نگاه اجمالی

واژه‌ی **مسیحا باوری** از کلمه مسیح گرفته شده که ترجمه‌ی واژه‌ی عبری mashiah (تدهین شده) است و در اصل به پادشاهی دلالت می‌کرد که سلطنت او با مراسم مسح باروغن، مقدس اعلام می‌شد. در کتب مقدس یهود (کتب عهد عتیق)، mashiah همیشه برای اشاره به پادشاه وقت اسرائیل به کار رفته است: در مورد طالوت نبی (باب ۱۲ آیات ۳-۵ و باب ۲۴ آیات ۷-۱۱)، داوود نبی (باب ۱۹، آیات ۲۲-۲۱)، سلیمان نبی (کتاب وقایع ایام ۲، باب ۶، آیه ۴۲)، یا پادشاه به طور کلی (کتاب مزامیر: باب ۲، آیه ۲؛ باب ۱۸، آیه ۵۰؛ باب ۲۰، آیه ۶؛ باب ۲۸، آیه ۸؛ باب ۹، آیه ۸۴؛ باب ۳۸، آیه ۸۹؛ باب ۵۱، آیه ۸۹؛ باب ۱۷، آیه ۱۳۲). اما در دوره‌ی بین دو عهد، این واژه به پادشاه آینده اطلاق می‌شد که انتظار می‌رفت پادشاهی اسرائیل را اصلاح کند و مردم را از شر تمام شیاطین نجات دهد.

در عین حال، اگر چه در پیشگویی‌های پیامبران در خصوص پادشاه آرمانی آینده، از واژه‌ی مسیح استفاده نشده است، اما آنها را از زمره‌ی همین نوع پیش بینی‌های مربوط به معادشناسی تلقی کرده‌اند. این متون عبارتند از کتاب اشعیا نبی باب ۹، آیات ۱-۶؛ باب ۱۱، آیات ۱-۹؛ کتاب میکاه نبی باب ۵ آیات ۲-۶، کتاب زکریای نبی باب ۹، آیه ۹، و برخی از مزامیر «شاهانه» مانند کتاب مزامیر داود باب ۲، ۷۲ و ۱۱۰. سابقه این مفهوم اخیر در مکاتب سلطنتی خاور نزدیک باستانی یافت می‌شود که در آن پادشاه نقش ناجی مردم خود را ایفا می‌کرد و انتظار می‌رفت که هر پادشاه جدید حاصلخیزی، ثروت، آزادی، صلح و سعادت را برای سرزمین خود به ارمغان آورد. نمونه‌های آن را می‌توان هم در مصر و هم در بین النهرین یافت. دانشمند فرانسوی،



انتظار

۲۶۵

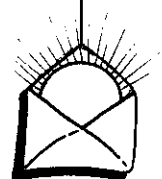
ادوارد دورم<sup>۱</sup> در کتاب خود تحت عنوان *La religion assyro-babulo-nienne* (۱۹۱۰) برخی از متونی را ذکر کرده است که چنین انتظاراتی را تحت عنوان «پادشاه مسیح» مطرح کرده اند. [همچنین مراجعه کنید به: پادشاهی، مقاله ای در باره ی پادشاهی در سرزمین مدیترانه ی باستانی].

**یهودیت:** در یهودیت مربوط به دوره ی بین دو عهد، امیدهای مربوط به مسیح موعود در دو جهت شکل گرفت. یکی از آنها ملی و سیاسی بود که در مزامیر منسوب<sup>۲</sup> به سلیمان (بابهای ۱۷ و ۱۸) با بیشترین وضوح مطرح شده است. در اینجا این مسیح ملی، فرزند داوود است. او با خرد و عدل حکومت خواهد کرد؛ قدرتهای بزرگ جهان را شکست خواهد داد، مردم خود را از قید حکومت بیگانه رها خواهد ساخت و سلطنتی جهانی وضع خواهد کرد که در آن مردم در صلح و سعادت زندگی خواهند کرد. همین آرمان شاهانه در توصیف حکومت شمعون در کتاب اول مکایان<sup>۳</sup> باب ۱۴، آیه ۳؛ مطرح شده که بیانگر پیشگویی های کتب عهد عتیق در مورد مسیح موعود است.

برخی اسناد جعلی، به ویژه وصیت نامه لیوای<sup>۴</sup>، از مسیح کشیش نیز سخن می گویند که قرار است صلح و علم خداوند را برای مردم خود و جهان به ارمغان آورد. امت قمران<sup>۵</sup> حتی منتظر دو فرد تدهین شده بودند، یک کشیش و یک پادشاه، اما اطلاع زیادی از وظایف آنها در دست نیست.

مسیر دوم این شکل گیری مهمتر از همه در کتاب حبشی زبان مکاشفات خنوخ نبی (کتاب اول خنوخ) و در کتاب دوم اسدرا<sup>۶</sup> (که کتاب چهارم عزرا هم نامیده می شود) یافت می شود. تمرکز اصلی آن بر عبارت پسر انسان است. این عبارت در عهد عتیق عمدتاً جهت اشاره به انسان (کتاب مزامیر داود باب ۸، آیه ۵؛ باب ۸۰، آیه ۱۸؛ نسخه انگلیسی باب ۸۰، آیه ۱۷) و چندین بار جهت خطاب به پیامبر، در کتاب حزقیال نبی) به کار رفته است. در رؤیائی که در کتاب دانیال باب ۷، ثبت شده است، این عبارت در آیه ۱۳ برای اشاره به «موجودی شبیه انسان» به کار رفته که برخلاف چهار حیوان معمول، مظهر چهار قدرت بزرگ در جهان قدیم است و بر نقش مهم اسرائیل در روز قیامت دلالت می کند.

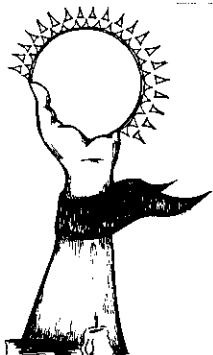
در کتب مکاشفات مذکور، پسر انسان شخصیتی غیرمادی، کمابیش الهی و ازلی است که در حال حاضر در بهشت پنهان است. وی در آخرالزمان، ظاهر می شود تا در باب رستاخیز مردگان در میان



انظار

۲۶۶

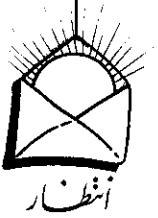
سال دوم / شماره ی ششم / زمستان ۸۱



جهانیان قضاوت کند. مؤمنین از سلطه‌ی شیاطین رها می‌شوند و او برای همیشه در صلح و عدالت بر جهان حکومت خواهد کرد. در این کتب اغلب از او به عنوان «شخص برگزیده» یاد شده، تنها گاهی «شخص تدهین شده»، یعنی مسیح موعود، نامیده می‌شود. آشکار است که تفسیر سوره‌ی ۱۳ باب ۷ کتاب دانیال، «پسر انسان» را به یک شخص اطلاق می‌کند نه چیزی که مورد مقایسه قرار گیرد. مشکل در این جاست که تا چه حد این متون به قبل از مسیحیت تعلق دارند. کتاب دوم اسدرا قطعاً بعد از سقوط بیت المقدس در سال ۷۰ میلادی نوشته شده است و بخشهایی از کتاب اول خنوخ که در آن اشاراتی به پسر انسان شده، در لابلای قسمتهای آرامی زبان<sup>۷</sup> همان نوشته‌ای که در قمران یافت شده، وجود ندارد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد عهد جدید همین تفسیر سوره ۱۳، باب ۷، کتاب دانیال را مفروض گرفته است.

**مسیحیت:** مسیحیت اولیه بسیاری از نظرات یهودیت را در خصوص مسیح موعود پذیرفته، آنها را در مورد عیسی مسیح به کار می‌برد. مسیح موعود در زبان یونانی به Christos، یعنی مسیح، ترجمه شده است، بدین وسیله عیسی مسیح را با امیدهای مسیحایی یهودیت یکسان تلقی کرده است. انجیل متی تفسیر این عبارت را در کتاب اشعیا<sup>۸</sup> نبی باب ۹، آیه ۱ (نسخه انگلیسی باب ۹، آیه ۲) «گسانی که در تاریکی راه می‌پیمایند، شاهد نور خواهند بود»، در عیسی مسیح متحقق دانسته است (انجیل متی باب ۴، آیات ۱۴-۱۸). نقل شده که کتاب میکاه نبی باب ۵، آیه ۱ (نسخه‌ی انگلیسی باب ۵ آیه ۲) تأیید می‌کند که مسیح در بیت اللحم به دنیا می‌آید (انجیل متی باب ۲، آیه ۶). آیه ۹ از باب ۹ کتاب زکریای نبی به عنوان پیش بینی ورود عیسی مسیح به بیت المقدس تفسیر شده است (انجیل متی باب ۲۱، آیه ۵) و اگر داستانی که انجیل متی روایت کرده صحیح باشد، به معنی آن است که عیسی مسیح خواسته است خود را مسیح موعود معرفی کند.

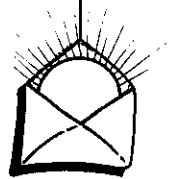
آیه ۷ باب ۲ مزامیر<sup>۹</sup> «تو پسر من هستی» در ارتباط با غسل تعمید عیسی مسیح نقل شده یا حداقل تلویحاً به آن اشاره دارد (انجیل متی، باب ۳، آیه ۱۷؛ انجیل مرقس باب ۱، آیه ۱۱؛ انجیل لوقا باب ۳، آیه ۲۲). (اما مسیح موعود در یهودیت پسر خدا تلقی نمی‌شد.) از کتاب مزامیر داود باب ۱۱۰، آیه ۱ برای اثبات این امر استفاده می‌شود که مسیح موعود نمی‌تواند پسر داود باشد (انجیل متی باب ۲۲، آیه ۴۴)؛ بخشهای دیگر باب ۱۰ مزامیر داود مؤید تفسیر باب ۵، ۶ و ۷ کتاب عبدانیان است. اما عهد جدید، مسیحا باوری سیاسی مذکور در مزامیر سلیمان را رد می‌کند. عیسی مسیح از قبول پادشاهی خودداری کرد (انجیل یوحنا، باب ۶، آیه ۱۵)؛ او در برابر پیلات<sup>۱۰</sup>



آشنایان

۲۶۷

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱



## انظر

۲۶۸

سال دوم / شماره ششم / زمستان ۸۱

اعلام کرد: "پادشاهی من متعلق به این جهان نیست" (انجیل یوحنا باب ۱۸، آیه ۲۶). با وجود این او را متهم نمودند که ادعای "پادشاهی یهود" را نموده است (انجیل یوحنا باب ۱۹، آیه ۱۹). با این حال، اگر چه عهد جدید تصریح می کند مسیح موعود پسر خداست، اما از عنوان "پسر انسان" نیز استفاده می کند. طبق اناجیل، عیسی مسیح این عبارت را در مورد خود به کار می برد که در چند مورد احتمالاً فقط به معنی "انسان" یا "این بشر" بوده است (انجیل مرقس باب ۲، آیه ۱۰؛ انجیل متی باب ۱۱، آیه ۸؛ و نظیر آن؛ انجیل متی باب ۸، آیه ۲۰ و نظیر آن). در چند متن به آمدن پسر انسان در آخر الزمان اشاره شده است (انجیل متی باب ۲۴، آیه ۲۷؛ باب ۲۴، آیه ۳۷؛ انجیل لوقا باب ۱۸، آیه ۱۸؛ باب ۱۸، آیه ۲۳؛ باب ۱۸، آیه ۶۹؛ انجیل متی باب ۱۰، آیه ۲۳؛ انجیل مرقس باب ۱۳، آیه ۲۶)؛ اینها حاکی از همان تفسیر دانیال باب ۷، آیه ۱۳ کتاب دانیال نبی هستند که در کتاب اول خونخ و کتاب دوم اسدرا نیز آمده است اما حاوی عنصر دیگری هم هستند که به موجب آن، عیسی مسیح است که برای بار دوم به عنوان قاضی جهانیان باز می گردد. گروه سوم منابع مطرح کننده "پسر انسان"، اشاره ای تلویحی به رنج و مرگ مسیح دارند که گاه احیای او را نیز مطرح می کنند (انجیل مرقس باب ۸، آیه ۳۱؛ باب ۹، آیه ۹؛ باب ۹، آیه ۳۱؛ باب ۱۰، آیه ۳۳؛ باب ۱۴، آیه ۲۱؛ باب ۱۴، آیه ۲۱؛ باب ۱۴، آیه ۴۱؛ انجیل لوقا باب ۲۲، آیه ۴۸ و غیره). این آیات، دیدگاه رنج مسیح را مطرح می کنند که در مسیحا باوری یهود کاملاً ناشناخته نیست اما هرگز ارتباطی به پسر انسان ندارد. (اگر پسر انسان یهود، گاه "بندهی خدا" توصیف شده باشد فصل مربوط به رنج بنده، در کتاب اشعیای نبی باب ۵۳ هرگز در مورد او صدق نمی کند). در انجیل یوحنا، پسر انسان در بیشتر موارد خدائی است که به صورت پادشاه و قاضی توصیف شده، و ضمناً موجودی ازلی در بهشت نیز تلقی می شود. (انجیل یوحنا باب ۱، آیه ۵۱؛ باب ۳، آیه ۲۳؛ باب ۸، آیه ۲۸)؛ کتاب عبرانیان باب ۲، آیات ۶-۸ باب ۸ مزامیر داود را، که در آن "پسر انسان" در اصل به معنی "انسان" بوده، اشاره به عیسی مسیح می داند، در نتیجه مفهومی معاد شناختی به این عبارت می بخشد.

با یکسان تلقی کردن بندهی رنج دیده در کتاب اشعیای نبی باب ۵۳ با عیسی مسیح، ویژگی جدیدی در مسیحا باوری عهد جدید مطرح شد. در انجیل مرقس باب ۹، آیه ۱۲ آمده است که "در باره ی پسر انسان نوشته اند که باید رنجهای فراوانی را متحمل گردد و به گونه ای تحقیر آمیز با او رفتار شود" (مقایسه کنید با کتاب اشعیای نبی باب ۵۳، آیه ۳). کتاب اعمال رسولان باب ۸، آیه ۳۲؛ مصداق آیات ۷-۸ باب ۵۳ کتاب اشعیای نبی را صریحاً عیسی مسیح می داند، و در

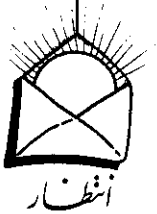


کتاب اول پطرس باب ۲، آیات ۲۲-۲۴ ذکر شده یا اشاره شده که بخشهایی از کتاب اشعیای نبی باب ۵۳ به او اشاره دارند. به نظر می‌رسد که این یکسان‌انگاری، خلقت آغازین عیسی مسیح (یا احتمالاً ظهور کلیسای اولیه) باشد.

بنابراین، مسیح‌شناسی عهد جدید از ویژگی‌های بسیار فراوانی بهره می‌گیرد که برگرفته از مسیحا باوری یهود است. در عین حال، بُعد جدیدی را هم به آن می‌افزاید و

آن، این دیدگاه است که اگر چه مسیح قبلاً به شخصه امیدهای مسیحا باوری را تحقق بخشیده است، اما قرار است که باز گردد تا این امیدها را به تحقق نهایی شان برساند.

**مسیحا باوری (مهدویت) در اسلام:** عقایدی مشابه بازگشت مجدد مسیح را می‌توان در اسلام نیز یافت، که احتمالاً ناشی از تأثیر مسیحیت است. اگر چه قرآن خداوند را قاضی روز قیامت می‌داند، روایات اسلامی پس از آن، حوادث مقدماتی خاصی را قبل از آن روز معرفی می‌کند. نقل شده که محمد گفته است اگر فقط یک روز از عمر جهان باقی مانده باشد به قدری طولانی می‌شود که فرمانروایی از اهل بیت پیامبر بتواند تمام دشمنان اسلام را نابود کند.



۲۶۹

این فرمانروا مهدی نام دارد، یعنی "کسی که به حق هدایت شده است." روایات دیگر می‌گویند او جهان را پراز عدل و داد می‌کند همان گونه که در حال حاضر پراز گناه است که انعکاس واضح مکتب سلطنتی قدیم است. برخی مهدی را همان مسیح (به عربی، عیسی) می‌دانند که قرار است با ظهور خود قبل از آخر زمان، دجال (فریبکار)، مسیحای دورغین یا ضد مسیح را نابود کند. این روایات به وسیله‌ی بنیانگذاران سلسله‌ی حاکمان جدید و سایر رهبران سیاسی یا مذهبی و به ویژه در میان شیعه، به کار گرفته شده‌اند. آخرین نمونه‌ی آن رهبر شورشیان، محمد احمد سودانی بود که از سال ۱۸۸۳ به طور موقت نفوذ انگلستان بر این منطقه را از بین برد.

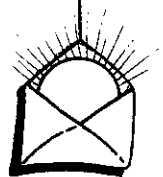
**نهضت‌های بومی پرست گرا<sup>۹</sup>.** به دلایلی مفهوم مسیح باوری برای توصیف چند فرقه "بومی پرست" در نقاط مختلف جهان که در پی نزاع بین مسیحیت استعمارگر و ادیان بومی به وجود آمده‌اند، به کار رفته است. اما به پیروی از ویتوریو لانتارتاری<sup>۱</sup> (۱۹۶۵)، باید بین نهضت‌های

مسیحا باوری و نهضت‌های پیامبران تمایز قائل شد. او می‌گوید "عیسی" ناجی منتظر است و "پیامبر" کسی است که آمدن کسی را که قرار است بیاید اعلام کند. خود پیامبر پس از رحلت می‌تواند "مسیحا" باشد و انتظار رود که به عنوان یک ناجی باز گردد، یا اینکه، خود پیامبر با استناد به یک اسطوره‌ی مسیحایی سابق، خود را پیامبر مسیحا اعلام کند (پاورقی ص ۲۴۲).

نمونه‌ی این گونه نهضت‌ها در تمام نقاط بومی جهان مشهود است. در همین قرن شانزدهم، امواج پی در پی قبایل تویی<sup>۱۱</sup> در برزیل، در جستجوی "سرزمین بدون شیطان" که مبتنی بر مسیحا باوری بود، به ساحل بائیا<sup>۱۲</sup> رفتند. گفته شده مهاجرت دیگری از این قبیل برای یافتن "سرزمین ابدیت و آرامش جاودانی" منجر به ظهور عقیده‌ی الدورادو<sup>۱۳</sup> در بین مردم اسپانیا گردیده است. مهاجرت‌های مشابهی در قرن‌های بعد به رهبری نوعی پیامبر رخ داده که به عنوان "خدای انسان گونه"<sup>۱۴</sup> یا "میمه خدا"<sup>۱۵</sup> توصیف شده و منظور از آن جادوگران قبایل بومی است که برای بومیان، رهبران مذهبی و صورت‌تاسخ یافته‌ی قهرمانان بزرگ اسطوره‌ای در سنت بومی و اعلام کنندگان دوران تجدید تلقی می‌شدند.

نهضت رقص ارواح در غرب امریکا در سال ۱۸۶۹ به وسیله‌ی فردی به نام وودزیواب<sup>۱۶</sup> شکل گرفت، او رؤیاهایی می‌دید که از طریق آن روح بزرگ اعلام می‌کرد به زودی فاجعه‌ی بزرگی کل جهان را می‌لرزاند و سفیدپوستان را نابود می‌کند، سرخپوستان زنده می‌شوند و روح بزرگ در دورانی بهشتی بین آنها زندگی می‌کند. پسر وودزیواب، اوکا<sup>۱۷</sup> (جان ویلسون<sup>۱۸</sup>)، در سال ۱۸۹۲ روابطی با مورمون‌ها برقرار کرد و آنها او را مسیحای سرخپوستان و پسر خدا تلقی کردند. در منطقه‌ی کنگو در افریقا، سیمون کیمبانگو<sup>۱۹</sup>، که در هیئت مبلغان بایبست بریتانیا<sup>۲۰</sup> پرورش یافته بود، در سال ۱۹۲۱ به عنوان پیامبر، بر مردم خود ظهور کرد. تبلیغ او آمیخته‌ای از عناصر مسیحی و بومی بود. او برکناری قریب الوقوع حاکمان بیگانه، روش زندگی جدید برای آفریقائیان و آمدن عصر طلایی را پیش بینی نمود. او و جانشینش، آندره ماتسوا<sup>۲۱</sup>، هر دو تصور می‌کردند که پس از مرگ به عنوان ناجی مردم خود باز می‌گردند. چندین نهضت مشابه دیگر از این قبیل در سایر نقاط افریقا معروف است.

و اوایل قرن بیستم، ملانزی و گینه نو شاهد ظهور آئین‌هایی معروف به آئین‌های دینی کشتی‌های باری بودند. عقیده‌ی رایج در میان تمام آنها این بود که یک کشتی غربی (یا حتی هواپیما)، با سرنشینان سفید پوست، از راه خواهد رسید و برای بومیان ثروت به همراه خواهد آورد، همزمان با آن مردگان زنده می‌شوند و دوران شادی به دنبال آن خواهد آمد. برخی پیامبران

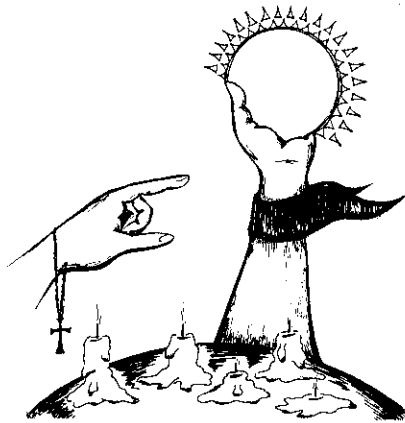


آشنایان

۲۷۰



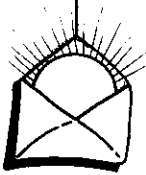
این فرقه‌ها صورت تناسخ یافته‌ی ارواح تلقی می‌شدند. [همچنین مراجعه کنید به مدخل: Cults: Cargo].



به نظر می‌رسد تمام این جنبشها در بین افراد تحت ستم شکل گرفته، بیانگر آرزوی آنها برای آزادی و شرایط بهتر زندگی است. شرایطی که مسیحیت در آن ظهور کرد قطعاً، تا حدودی به همین شکل بوده است. [به مدخل‌های منجی‌گرایی و احیاء و تجدید نیز مراجعه کنید.<sup>۲۲</sup>]

### کتاب‌شناسی

اثر قابل قبول در خصوص اوایل مسیح‌باوری در یهودیت، کار زیگموند مونیکل<sup>۲۳</sup> تحت عنوان "او که می‌آید" (آکسفورد، ۱۹۵۶) است. کار خلاصه‌تر که در عین حال شامل متون مصری و بین‌النهرین است و در این مقاله نیز به آن اشاره شده، کتاب اینجانپ تحت عنوان مسیحا در عهد عتیق (لندن، ۱۹۵۶) است. مقاله‌ی کارستن کولپه<sup>۲۴</sup> تحت عنوان "Huios Tou Anthropou"، در فرهنگ خداشناسی عهد جدید، ویرایش گر هارد کتیل<sup>۲۵</sup> (گرنرد ریپدیز: میک، ۱۹۷۲)، مسأله‌ی پسرانسان را به خوبی مطرح می‌کند. به اثر رولین کرن<sup>۲۶</sup> تحت عنوان "Vorfragen zur Christologic", جلد ۳ (Tubingen, ۱۹۸۲-۱۹۷۸) و پسرانسان: تفسیر و تأثیر دانیال (لندن، ۱۹۷۹) اثر موریس کیسی<sup>۲۷</sup> نیز مراجعه کنید. مهدویت در اسلام اخیراً توسط اثر حوالازواروس یافه<sup>۲۸</sup> در کتاب وی به نام برخی از ابعاد دینی اسلام (لیدن، ۱۹۸۱)، صص ۴۸-۵۷، و نیز در مهدویت نخستین (لیدن، ۱۹۸۵) اثر ژان اولاف بلیچ فلدت<sup>۲۹</sup> مورد بحث قرار گرفته است. در زمینه‌ی اسلام، به مقاله‌ی اینجانپ تحت عنوان «برخی ابعاد دینی خلافت»، در کتاب سلطنت مقدس (لیدن، ۱۹۵۹) نیز مراجعه کنید. ادگار بلاشه برخی مشاهدات اولیه را در "Lemessianismedonsi pte p rodoxie musulmane" (پاریس، ۱۹۰۳) ارائه می‌کند. بررسی جامع نهضت‌های منجی‌گرار می‌توان در ادیان ستم‌دیده (نیویورک، ۱۹۶۵) اثر ویتوریو لانترناری یافت. اثر لانترناری حاوی کتاب‌شناسی خوبی است.<sup>۳۰</sup>

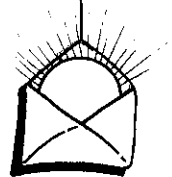


انظار

۲۷۱

سال دوم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱

۱. Edourd Dhorme .  
۲. Psuedepigraphic.
۱۰. Vittorio Lanternari .  
۱۱. Tupi
۱۲. Bahia = ایالت ساحلی واقع در شرق برزیل (مترجم).  
۱۳. El Dorado .  
۱۴. Man - God .  
۱۵. Demi - God .  
۱۶. Wodziwob .  
۱۷. Woroka .  
۱۸. John Wilso n .
۳. Maccabees = لقب خانواده‌ای از میهن پرستان یهود که در  
۱۹. Simon Kimbangu .  
۲۰. British Baptist Mission .  
۲۱. Andre Matswa .  
۲۲. Millenarianism and Revival and Renewal .  
۲۳. Sigmund Mowinckel .  
۲۴. Carsten Colpe .  
۲۵. Gerhard Kiule .  
۲۶. Rollin Keam .  
۲۷. Maurice Casey .  
۲۸. Hava lazarus - Yafeh .  
۲۹. Jan - Olaf Bliche - Feldt .
۴. Levi = پسر سوم حضرت یعقوب نبی وجد لایانها (مترجم همان).  
۵. Qumran .  
۶. تلفظ لاتین و یونانی عزراء (مترجم).  
۷. Aramaic = زبان آرامی (یکی از زبانهای سامی شمالی که  
حضرت عیسی و پیروانش به آن تکلم می کردند و زبان  
کشور کهن آرام و سرزمین های مجاور آن بود.) (مترجم).  
۸. Pii ate .  
۹. Nativistic Movements .
۳۰. نویسنده: هلمه رینگ گرن



انتظار

۲۷۲

سال نهم / شماره‌ی ششم / زمستان ۸۱